از گوشه و کنار ایران

فاجعه‌ای که راننده تریلی در جایگاه سوخت آبیک رقم زد

بی‌احتیاطی و ناتوانی راننده تریلی در کنترل وسیله نقلیه منجر به تصادف شدید در جایگاه سوخت آبیک و مرگ ۲ نفر شد.
سرهنگ بهروز لامعی فرمانده نیروی انتظامی شهرستان آبیک گفت: شامگاه شنبه یک راننده تریلی بر اثر بی‌احتیاطی با سرعت وارد یکی از جایگاه‌های سوخت واقع در اتوبان قزوین شد و با یک دستگاه خودرو پراید که در محل پارک بود، برخورد کرد. راننده تریلی پس از برخورد با پراید، مستقیم وارد دکه روزنامه فروشی شد و در این حادثه فروشنده جوان دکه و یکی از سرنشینان پراید که خانم بوده و برای خرید به دکه رفته بود، جان خود را از دست دادند.
وی در ادامه بیان کرد: راننده تریلی دستگیر و با تشکیل پرونده، به دستگاه قضایی تحویل داده شد که در حال رسیدگی است.

نجات پسر ۱۵ ساله از چنگ گروگانگیران

فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان از رهایی نوجوان ربوده شده در کمتر از یک ساعت و دستگیری عاملان این گروگانگیری در عملیات ضربتی مأموران پلیس شهرستان زهک خبر داد.
سردار دوستعلی جلیلیان گفت: مأموران با اطلاع از ربوده شدن پسر ۱۵ ساله با انجام اقدامات اطلاعاتی و تخصصی، محل مورد نظر را شناسایی کردند و پس از هماهنگی‌های لازم، در کمتر از یک ساعت محل نگهداری پسر نوجوان شناسایی و در عملیاتی موفق این نوجوان آزاد شد و به آغوش خانواده بازگشت. متهمان که ۳۶ و ۲۸ ساله هستند قبل از فرار دستگیر شدند و پس از تحقیقات تکمیلی پلیس علت و انگیزه آدم‌ربایی را اختلاف مالی با این خانواده عنوان کرد. دو دستگاه خودرو سواری نیز از متهمان توقیف و در نهایت پس از تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شدند.

سقوط جرثقیل با بتن روی ساختمان

یک جرثقیل هنگام جا به جا کردن بتن‌های ساختمانی در مشهد سقوط کرد و حادثه‌ساز شد.
سرآتشیار محسن مرادی‌خرم‌آباد رئیس اداره ایستگاه ۳۰ سازمان آتش‌نشانی مشهد گفت: در یک پروژه ساختمانی ۶ طبقه، هنگام جابه‌جایی بتن‌های ساختمانی به وسیله «تاور کرین»، نقص فنی موجب سقوط این جرثقیل ثابت و مصالح روی ساختمان شد و بتن‌های ساختمانی در میان اسکلت این ساختمان گیر کرد.
با وجود اینکه حادثه تلفات جانی در پی نداشت اما خسارات مالی به جای گذاشت. این گونه حوادث در مشهد بارها رخ داده که حتی منجر به فوت افراد و بویژه اپراتورهای تاورکرین‌ها هم شده بود، بنابراین ضروری است که علاوه بر استفاده از تجهیزات و جرثقیل‌های استاندارد و ایمن، برای هدایت این جرثقیل‌ها از افراد باتجربه و حرفه‌ای استفاده شده و موازین ایمنی نیز رعایت شود. تاورکرین برای بلند کردن، پایین آوردن و جابه‌جایی مصالح ساختمانی سنگین یا حجیم به اطراف استفاده می‌شود.

انفجار مرگبار گاز پیک‌نیک در اتاقک نگهبانی راه‌آهن

کارگر نگهبان راه‌آهن بناب بر اثر انفجار گاز پیک‌نیک جان باخت.
به گزارش خبرنگار ایلنا، براساس اطلاعات منابع کارگری راه‌آهن آذربایجان، روز شنبه یکی از کارگران نگهبان راه‌آهن حوزه عجبشیر به نام «محمود اسکندری» اهل بناب و ۳۸ ساله، شاغل در محدوده ریلی روستای «شورگل» بناب حین کار در اتاقک نگهبانی ایستگاه کنترل تردد راه‌آهن بر اثر انفجار پیک‌نیک جان خود را از دست داد.

سرقت خودرو از اهواز، دستگیری در سبزوار

راننده یک خودرو سرقتی در سبزوار پس از تعقیب و گریز با شلیک پلیس دستگیر شد.
سرهنگ حسین بیات‌مختاری فرمانده انتظامی سبزوار گفت: تیم گشت یگان امداد این فرماندهی، در یکی از خیابان‌های سبزوار به راننده یک دستگاه خودرو سواری پژو پارس مشکوک شد و به راننده دستور ایست داد اما راننده بی‌توجه و با سرعت به سمت کمربندی سبزوار متواری شد.
وی تصریح کرد: مأموران انتظامی با استفاده از قانون بکارگیری سلاح، اقدام به تیراندازی هوایی کرده و سپس لاستیک خودرو را هدف گرفتند که پنچر شد اما راننده با همان وضعیت پنچری به سمت میدان سربداران فرار کرد تا اینکه سرانجام خودرو سواری در کمربندی سبزوار متوقف و متهم دستگیر و مشخص شد خودرو مورد نظر چند روز قبل از شهرستان اهواز سرقت شده و سابقه توقیف دارد.

مرگ مقنی با سقوط سطل خاک

کارگری که در حال حفر چاه در مشهد بود، بر اثر سقوط سطل پر از خاک روی سرش جان باخت.
براساس اعلام منابع کارگری شهر مشهد، در تحقیقات انجام شده، مشخص شد کارگری در یک واحد مسکونی در محدوده خیابان کشمیری مشهد در حال حفر چاهی عمیق بوده و کارگری که خارج از چاه مشغول کشیدن سطل خاک بود، ناگهان سطل از دستش رها شده و روی سر کارگری که در عمق چاه بوده برخورد کرده است.
نیروهای عملیاتی با تلاش فراوان کارگر ۳۲ ساله را از عمق چاه خارج کرده و تحویل امدادگران اورژانس دادند اما بعد از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

دستگیری ۳۰ سارق گوشی قاپ در طرح پلیس پایتخت

سارق دندان طلا که بلاگر شد

گروه حوادث- مرضیه همایونی/ بلاگر دندان‌طلا، کشتی‌گیر خشن و ۶ مرد خشن که با چوب بیسبال سرقت می‌کردند، از جمله متهمانی بودند که در طرح مبارزه با سارقان پایتخت دستگیر شدند.

به گزارش «ایران»، سردار علی ولیپورگودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت صبح یکشنبه ۲۸ آبان‌ماه در جمع خبرنگاران اعلام کرد: با اقداماتی که از سوی پلیس پایتخت انجام شد ۳۰ سارق زورگیر و قاپزن شناسایی و دستگیر شدند و در بازرسی از منازل و مخفیگاه آنان یک قبضه اسلحه کلت کمری و ۲۰۵ دستگاه گوشی تلفن همراه مسروقه نیز کشف و ضبط شد. از این تعداد ۱۰ نفر مالخر هستند که اموال مسروقه را از سارقان می‌خریدند. تا کنون ۱۰۰ شاکی با مراجعه به پلیس شکایت خود را ثبت و برخی اموالشان را دریافت کرده‌اند.
وی با اعلام این موضوع که طرح‌های پلیس آگاهی به صورت هفتگی اجرا خواهد شد، بیان کرد: ضمن تعامل با دستگاه قضا تلاش بر این است که نهایت مجازات برای افراد دستگیر شده در نظر گرفته شود. با توجه به تکرار جرم این افراد به هیچ عنوان تخفیف جرمی به آنها داده نمی‌شود و حداکثر مجازات قانونی برای این بزهکاران در نظر گرفته خواهد شد.
وی درباره شیوه و شگرد سارقان دستگیر شده، گفت: متهمان در قالب چند باند، سرقت‌هایشان را به شیوه‌های مختلف انجام می‌دادند. برخی پشت چراغ قرمزها به سراغ راننده‌هایی می‌رفتند که شیشه‌های خودروشان پایین بوده و اقدام به قاپیدن گوشی تلفن همراه آنها می‌کردند. برخی نیز عابران پیاده را که در حال گفت‌وگو با تلفن همراه بودند شناسایی کرده و با تهدید چاقو اقدام به سرقت از آنها می‌کردند. سرقت‌ها در اکثر مناطق تهران صورت گرفته اما عمده آنها در بزرگراه‌های همت، امام علی(ع) و مناطق شمال تهران بوده است.

سارقی که بلاگر بود

صورتش پر از خالکوبی و جای خراش چاقو است. اتهامش گوشی‌قاپی است اما وقتی عکس سرقت‌هایش را در فضای مجازی منتشر کرد کم‌کم تبدیل به یک بلاگر معروف شد.

چرا این همه خالکوبی روی بدن و صورتت داری؟

عاشق دیده شدن هستم، می‌خواستم متفاوت باشم. پولی برای این خالکوبی‌ها نداده‌ام و در واقع به جای تبلیغ در صفحه اینستاگرامم مجانی برایم تتو زده‌اند. البته برای بقیه تبلیغات از هر کس ۲ میلیون تومان می‌گرفتم.

چطور از سارقی به بلاگری رسیدی؟

الان که صفحه‌ام غیرفعال است اما دنبال‌کنندگانم خیلی زیاد هستند. البته بیشتر آنها خلافکار و سارق‌اند و صفحه مرا به همدیگر معرفی کرده‌اند و به خاطر خالکوبی‌هایم معروف شده‌ام. غیر از تبلیغ خالکوبی، عکس‌هایی هم با گوشی‌هایی که سرقت می‌کردم می‌گذاشتم که همین موضوع باعث دستگیری‌ام شد. یک نفر مرا به پلیس لو داد.

چرا به تو دندان‌طلا می‌گویند؟

دندان‌هایم را که لمینت کرده و دو تا از آنها را هم طلا کار گذاشته‌ام، بینی‌ام را عمل کرده‌ام و خلاصه خیلی دوست داشتم به ظاهرم برسم.

گوشی‌ها را چطور سرقت می‌کردی؟

من و دوستم سوار بر موتورسیکلت می‌شدیم و در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم. گاهی سوژه‌هایم را پشت چراغ‌قرمز انتخاب می‌کردم و گاهی در خیابان‌ها، فقط سوژه‌ها باید پشت فرمان خودروهایی با شیشه پایین بودند. در یک لحظه از غفلت آنها استفاده کرده و گوشی‌هایشان را سرقت می‌کردیم.

اولین بار کی بازداشت شدی؟

۱۶ سالم بود که به خاطر کل‌کل و کری‌خوانی بازداشت شدم و سه ماه به کانون رفتم. یک سال بعد به یک گوشی‌قاپ حرفه‌ای تبدیل شده بودم و افتادم زندان. در این مدت به اندازه انگشت‌های دستم به زندان افتاده‌ام.

صورتت چرا زخم است؟

خودزنی کرده‌ام. من معتاد قرص هستم و هر بار هم که قرص می‌خورم خودزنی می‌کنم.

خودسوزی برای فرار از خلاف

۲۳ سال دارد اما ۱۱ بار به اتهام سرقت به زندان افتاده، مدام اشک می‌ریزد و از اینکه بازداشت شده پشیمان و ناراحت است.

به چه جرمی بازداشت شدی؟

گوشی‌قاپی، اما خودم سرقت نمی‌کردم. من عاشق موتورسواری هستم و جنون سرعت دارم. در مسابقات هم شرکت می‌کنم و برنده شده‌ام. همدستانم که این موضوع را می‌دانستند از من خواستند برای انجام کارهای خلاف با آنها باشم. قبلاً خودم سرقت می‌کردم اما از وقتی دستانم سوخت دیگر نمی‌توانم سرقت کنم.

دست‌هایت برای چه سوخته است؟

خودسوزی کرده‌ام، برای اینکه از زندگی و کار خلاف خسته شده بودم. از اینکه اموال مردم را می‌دزدیدم عذاب وجدان داشتم. من یک آدم بی‌اراده هستم که تا به حال ۱۱ بار توبه کرده‌ام اما باز هم به سراغ سرقت و کار خلاف رفته‌ام.

از چند سالگی وارد کار خلاف شدی؟

از ۱۳ سالگی. نمی‌دانستم اولین بار که به زندان بیفتم دیگر نمی‌توانم دور کار خلاف را خط بکشم. الان هم که با شرایط زندگی که دارم اصلاً نمی‌توانم. چطور می‌توانم هزینه زندگی چهار فرزندم را که دوقلوهستند تأمین کنم.

کشتی‌گیر سارق

هیکلش ورزشکاری و خودش می‌گوید کشتی‌گیر است اما مدعی است به خاطر هیجان و سرگرمی سرقت می‌کند.

می‌گویند ورزشکارها با مرام هستند، تو چرا سارق شدی؟

من قهرمان کشتی هستم و اصلاً نیاز مالی ندارم، اما تشنه قدرتنمایی هستم، وقتی گوشی را از دست مردم می‌قاپم حس خوبی به من دست می‌دهد. گوشی‌قاپی را انتخاب کردم چون دوست ندارم وارد خانه‌های مردم شوم. خانه حریم خصوصی است، عکس زن و بچه مردم روی دیوار است و حس خوبی ندارم. کشتی‌گیر که بودم رباط پایم آسیب دید و دیگر نتوانستم ادامه دهم.

سرقت با چوب بیسبال

۶ سارق خشن با چوب بیسبال مردم را تهدید و اقدام به سرقت و گوشی‌قاپی می‌کردند. باندی که سردسته‌اش روزی مالباخته بوده است.

چرا با چوب بیسبال سرقت می‌کردید؟

سرقت با چاقو و قمه خطرناک است. اوایل در سرقت‌هایمان از قمه و چاقو استفاده می‌کردیم اما وقتی دیدیم به خاطر سرقت با سلاح سرد خیلی‌ها قاتل شده‌اند، ترسیدیم و این‌بار از چوب بیسبال استفاده کردیم. غروب‌ها چهار، پنج نفری به خیابان می‌رفتیم و با دیدن افرادی که گوشی تلفن همراه دستشان بود راهشان را سد می‌کردیم. اگر مقاومت می‌کردند با چوب بیسبال تهدید می‌کردیم و گاهی اوقات هم دست به چوب می‌شدیم و کتکشان می‌زدیم.

قتل شوهر با یک لیوان شربت سمی

گروه حوادث/ مرد جوان وقتی از سرکار به خانه برگشت و همسرش با یک لیوان شربت به استقبال او رفت نمی‌دانست چه فرجام شومی در انتظارش است.
چند روز قبل خبر مرگ مشکوک مردی ۳۹ ساله در خانه‌اش واقع در یکی از خیابان‌های قزوین به پلیس اعلام شد و بلافاصله عوامل انتظامی و نیروهای امدادی برای بررسی موضوع به محل حادثه اعزام شدند.
در بررسی‌های اولیه همسر این مرد مدعی شد وقتی شوهرش از سرکار به خانه برگشته به دلیل احساس ناراحتی در ناحیه قلب و قفسه‌سینه برای استراحت وارد اتاق خواب شده اما پس از گذشت چندین ساعت و بدتر شدن حالش او با اورژانس تماس گرفته است و عوامل امدادی نیز پس از حضور در محل، مرگ شوهر را تأیید کرده‌اند.
سردار علی ابراهیمی، فرمانده انتظامی استان قزوین در تشریح این پرونده جنایی گفت: باتوجه به اینکه مأموران متوجه تناقض‌گویی همسر این مرد شده بودند، به‌همین منظور کارگروه ویژه‌ای از کارآگاهان پلیس آگاهی مسئول بررسی علت اصلی مرگ او شدند، در تحقیقات انجام‌شده از خانواده و همکاران متوفی مشخص شد وی با همسر خود سابقه اختلافات شدید خانوادگی داشته و در آن روز نیز بدون هیچ‌گونه مشکل خاص یا احساس درد و ناراحتی با سلامت کامل از محل کار به منزل رفته است.
بدین‌ترتیب در ادامه بررسی‌ها سرانجام کارآگاهان بااستفاده از شگردهای پلیسی از دست داشتن همسر این مرد و حضور مردی دیگر در این پرونده پرده برداشته و آنها را دستگیر کردند.
متهم ضمن اعتراف به قتل شوهرش، انگیزه خود از این اقدام را اختلافات خانوادگی بیان کرده و اظهار داشته که یک لیوان شربت حاوی مقدار زیادی دارو به همسر خود داده و پس از اطمینان از فوت وی، با اورژانس تماس گرفته است.

بازداشت زن مواد فروش با ۲۵ کیلو حشیش

گروه حوادث/ زن مواد فروش که با اجاره خانه‌ای در جنوب تهران اقدام به توزیع مواد مخدر می کرد از سوی پلیس دستگیر شد.
سرهنگ حسین باباپور، رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر تهران بزرگ گفت: مأمورین پایگاه چهارم پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران به منظور تحقق اهداف سازمانی در خصوص دستگیری سوداگران مرگ، از طریق گزارشات مردمی دریافتند زن جوانی مبادرت به تهیه و توزیع گسترده انواع مواد مخدر در جنوب تهران با شیوه و شگردهای خاص می کند.
با اقدامات اطلاعاتی فشرده مشخص شد، متهم با اجاره یک منزل مسکونی در منطقه نازی‌آباد تهران و نگهداری مواد در خانه‌اش یکی از توزیع کنندگان مواد در این منطقه است.
باباپور بیان کرد: رصد لحظه به لحظه فعالیت این متهم سابقه‌دار ادامه داشت تا اینکه با هماهنگی مقام قضایی در یک عملیات ضربتی و غافلگیرانه پلیسی، تیمی از مأموران به مخفیگاه متهم اعزام شدند و ضمن دستگیری زن موادفروش ۲۵ کیلو حشیش از خانه‌اش کشف شد.
متهم به همراه مواد مکشوفه به مقر پلیس منتقل و پس از تحقیقات تکمیلی برای سیر مراحل قضایی به دادسرا معرفی شد.

آزار دختر جوان در میان شمشادها

گروه حوادث/ مرد شرور که با یک موتورسیکلت قولنامه‌ای دختر جوانی را ربوده و مورد آزار و اذیت قرارداده بود از سوی پلیس تحت تعقیب قرار گرفت.
به گزارش خبرنگار حوادث «ایران» چند روز قبل دختر جوانی به پلیس مراجعه و از مرد موتورسواری به اتهام آزار و اذیت شکایت کرد.
او در تحقیقات گفت: در شرکت خصوصی کار می‌کنم و شب حادثه از سوی شرکت برای بازدید از نمایشگاهی به شمال غرب تهران رفتم. هنگام برگشت خیلی دیر شده بود هرچه منتظر تاکسی ایستادم در آن وقت شب کنار بزرگراه تاکسی نیامد و من هم به ناچار سوار موتورسیکلتی شدم که جلوی پایم توقف کرد. فکر کردم مسافرکش است از آنجایی که خیلی دیرم شده بود سوار شدم.
اما ناگهان او تغییر مسیر داد وقتی اعتراض کردم موتور را نگه داشت و با یک چاقو تهدیدم کرد بعد هم مرا به داخل شمشادها کشید و با تهدید چاقو مورد آزار و اذیت قرار داد. من می‌خواستم از خودم دفاع کنم به همین خاطر با او درگیر شدم و سر و صورتش را زخمی کردم. مرد موتورسوار پس از آزار و اذیت، مرا رها کرد و من با وجود تاریکی شب موفق شدم شماره پلاک موتورسیکلت را حفظ کنم.
با شکایت دختر جوان، تحقیقات به دستور بازپرس جنایی آغاز شد و در بررسی‌های اولیه و با استعلام شماره پلاک موتورسیکلت مأموران به مرد جوانی رسیدند. اما وی در تحقیقات مدعی شد که مدتی قبل موتور را قولنامه‌ای به برادرزنش فروخته است.
زمانی که کارآگاهان به سراغ برادرزن او رفتند، مشخص شد که او نیز موتورسیکلت را به مردی به نام بهنام فروخته است.
مأموران بلافاصله راهی خانه بهنام شدند اما مرد جوان متواری شده بود.
در ادامه بررسی‌ها تصویر بهنام به‌دست آمد و شاکی جوان با مشاهده تصویر بهنام، او را به عنوان مرد آزارگر شناسایی کرد. بدین ترتیب تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه دارد.